



ISSN:2588-7033



Performance of Local Government of Mysore in Confronting the British Government and the Idea of Resistance and Islamic Unity

Seyed Ahmad Aghili ^{a*}, Mohammad Mouvand ^b, Mostafa Pirmoradiyan ^c

^a Associate Professor, Department of History, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran

^b MA, Islamic History, University of Isfahan, Isfahan, Iran

^c Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran

KEYWORDS

Mysore State,
Tipu Sultan,
Haidar Ali,
Resistance,
idea of Islamic unity

Received: 03 February 2020;
Accepted: 10 June 2023

Article type: Research Paper
DOR:20.1001.1.25887033.1402.6.4.5.7

ABSTRACT

In Mysore State, located in southern Indian subcontinent, a local government was formed, which was the last step of resistance of people against the British government. The presence of Haidar Ali and his son Tipu Sultan - who were Shiites - was a serious obstacle to the action of the British government in calling the subcontinent British India. The most significant performance of these two rulers was to confront the British presence in India. In the history of the subcontinent, Haidar Ali and Tipu Sultan are considered as heroes of resistance and fight against colonialism. This descriptive-analytical article analyzed the performance of the two rulers of Mysore against the British government. The approach of the article is that the thought and action of the Islamic unity as a policy to counter the political and military invasion of the colonial countries can be considered as the last effort of the two local rulers of the subcontinent, which unfortunately, due to negligence, imprudence, and the cowardice of the Muslim rulers did not lead to the favorable result in that very sensitive historical moment, hence the last resistance front in the subcontinent to confront colonialism was lost.

* Corresponding author.

E-mail address: aghili@lihu.usb.ac.ir

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved.





عملکرد حکومت محلی میسور در قبال دولت انگلیس و طرح اندیشه مقاومت و اتحاد اسلامی

سیداحمد عقیلی الف*، محمد مومینوند ب، مصطفی پیرمردیان ج

الف دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، aghili@lihu.usb.ac.ir

ب کارشناسی ارشد، تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، m.momivand@yahoo.com

ج دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، mpirmoradian@ltru.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
ایالت میسور، تیپو سلطان، حیدرعلی، اندیشه اتحاد اسلامی، مقاومت	در ایالت میسور، جنوب شبه قاره هند، حکومتی محلی شکل گرفت که آخرین مقاومت مردم در برابر دولت انگلیس بود. بررسی عملکرد دو حاکم محلی میسور در تقابل با دولت بریتانیا که آخرین کانون مقاومت مردم شبه قاره با حضور استعمار بریتانیا بود، مساله اصلی پژوهش حاضر است. حضور حیدر علی و فرزندش تیپو سلطان - که شیعه مذهب بودند - مانعی جدی بر اقدام دولت انگلیس که آن را «هند بریتانیا» می خواند، بود. شاخص ترین عملکرد این دو حکمران، مقابله با حضور انگلیس در هند بود. در تاریخ شبه قاره، از حیدر علی و تیپو سلطان به عنوان قهرمان مقاومت و ستیز با استعمار نام برده می شود. مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعه کتابخانه ای عملکرد دو حاکم میسور در تقابل با دولت انگلیس را واکاوی کرده است. رهیافت پژوهشی مقاله آن است که اندیشه و عمل اتحاد اسلامی به عنوان آخرین تلاش در جهت مقابله با هجوم سیاسی و نظامی دول استعماری از جانب دو حاکم محلی شبه قاره انجام گرفت، اما متأسفانه به جهت غفلت، بی تدبیری، و جن سلاطین مسلمان در آن برهه تاریخی بسیار حساس به نتیجه ای نیا نجامید؛ و این آخرین جبهه مقاومت در شبه قاره برای مقابله با استعمار از دست رفت.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

دولت بریتانیا که از دیر زمان برای به چنگ آوردن سرزمین های دارای ذخایر و معادن تلاش می کرد، توانسته بود رقیبان استعماری خود را در شبه قاره از میدان به در کند. فرمانروایان هند به این دولت استعماری با دیده بی تفاوتی می نگریستند و تصور نمی کردند که ممکن است روزی سرور آنان در این منطقه باشند. بدین ترتیب آنان را در امور بازرگانی آزاد گذاشتند و گاه نیز تسهیلاتی برای آنها فراهم می کردند (کامران مقدم، ۱۳۶۰: ۴؛ آنتونووا و دیگران، ۱۳۶۱: ۷-۵۷). کمپانی هند شرقی بریتانیا توانست با کوتاه کردن دست کمپانی های پرتغال و فرانسه و هلند میدان را برای عملیات استعماری خود باز کند (گاردنر، ۱۳۸۳: ۳۸-۴۶). در جنوب شبه قاره یکی از امرای مسلمان شبه قاره در سال ۱۱۹۵ هجری/ ۱۷۸۱ میلادی به نام حیدر علی از تیرگی روابط انگلیس و فرانسه بهره برداری نمود و برای قطع نفوذ انگلیسی ها به پا خاست. پس از او فرزندش فتح علی معروف به تیپو سلطان که از امرای مسلمان و مقرر حکومتش در

میسور بود، دنباله‌ی عملیات پدر را گرفت.

بیان مسأله و پرسش‌های پژوهش

این واقعیت که یک دولت بیگانه برخاسته از سرزمینی دور دست بر شبه قاره‌ای تسلط یابد که در دامان خود تمدنی باستانی را پرورده بود، موضوعی عبرت آور و حیرت انگیز است.

حیدر علی و فرزندش تیپو سلطان، دو حاکم محلی در ایالت کوچک میسور در جنوب شبه قاره در مقابله با استعمار انگلیس بسیار توانمند عمل کردند. اگر این دو مجبور به درگیری و جنگ و گریز با انگلیسی‌ها نمی‌شدند، چه بسا می‌توانستند برای مسلمانان دولتی قدرتمند و وسیع - حداقل در جنوب شبه قاره - تشکیل دهند. اما نیروهای قدرت طلب هند در گوشه و کنار سرزمین وسیع شبه قاره چنان شرایطی ایجاد کردند که راه را برای دخالت بیگانگان به‌ویژه انگلیسی‌های استعمارگر هموار کردند. لذا پرسش اساسی پژوهشی حاضر آن است که عملکرد حیدرعلی و پسرش تیپو سلطان در قبال دولت انگلیس چه ابعاد و مسیری را پیمود؟ پژوهش به دنبال اثبات این فرضیه است که عملکرد و رفتار انگلیس و کمپانی هندشرقی موجب شد این پدر و پسر به موضع تقابل و به عبارت بهتر به سیاست مقاومت در مقابل نفوذ این دولت استعماری در هند رهنمون شوند و اقدامات این دو حکمران از این منظر قابل بررسی و تحلیل است.

اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اقدامات این دو حاکم در مقابله با دول استعماری و اقدامات آنان در پیش برد اهداف استقلال-طلبانه آنان در این قسمت از شبه قاره است. بررسی عملکرد حیدر علی و تیپو سلطان به مثابه دو رجل سیاسی مسلمان هند در جنگ علیه استعمارگران به‌ویژه انگلیسی‌ها چنان اهمیتی دارد که می‌توان در اقدامات این دو حکمران آخرین مقاومت مؤثر مردم شبه قاره در جهت مقابله با تهاجم دولت انگلیس را ارزیابی کرد؛ هرچند که اقدامات آنها در این برهه‌ی تاریخی به نتیجه نینجامید و آخرین فرصت اتحاد اسلامی در مقابل استعمار از دست رفت. بر این اساس ضرورت دارد این برهه تاریخی حساس شبه قاره - که کمتر در پژوهش‌های شبه قاره بررسی شده است - به دقت مورد تأمل و مذاقه واقع شود.

روش تحقیق

شیوه تحقیق در این پژوهش بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و جستجو در منابع تاریخی و تحقیقات موجود بوده و به روش توصیفی - تحلیلی منابع تاریخی فارسی و غیرفارسی به دقت بررسی و تحلیل شده است.

پیشینه پژوهشی

باید اشاره نمود در کتب تحقیقی تاریخ هند در دوره جدید به طور مختصر و پراکنده به اقدامات این دو حاکم میسور پرداخته شده و مهمتر آنکه به تحولات این قسمت از شبه قاره به عنوان آخرین کانون مقاومت در برابر تسلط انگلیس کم‌اعتناء بوده‌اند. پژوهش‌های انجام شده درباره این دو شخصیت را می‌توان در دو حوزه دسته‌بندی کرد: در تحقیقات خارجی دو پژوهش محققانه غیر فارسی به صورت کتاب قابل توجه است. نخست کتاب **کمپنی کی حکومت** نوشته باری علیگ که به زبان اردو در لاهور پاکستان در ۱۹۶۹م. چاپ شده است. اهمیت این کتاب در آن است که تلاش مزورانه و پنهان انگلیسی‌ها را برای جلوگیری از نفوذ فرانسویان در جنوب هند روشن کرده و توطئه‌های انگلیسی‌ها از یک سو و فرانسویان را از جانب دیگر برای شکست سلطنت میسور و قتل تیپو سلطان

بر ملا می‌کند (باری علیگ، ۱۹۶۹: ۲۲۷-۲۳۰). درباره موضوع تحقیق حاضر، به طور گذرا و مختصر اشاره‌ای به این دو حاکم شده است. پژوهش محققانه دوم، کتاب دائرة المعارف کمبریج هند، سریلانکا است که به اهتمام رایینسون در ۱۹۸۹م. به زبان لاتین چاپ شده که فقط در حدود پنج صفحه آن به تحولات سیاسی اجتماعی جنوب هند در دوران سلطنت میسور پرداخته شده است. در این اثر ضمن اشاره به برنامه‌های کمپانی هند شرقی برای نفوذ در جنوب هند و زمینداران هندو، به شیوه تشکیلات اداری و نظامی و سیستم رو به رشد اقتصادی حیدر علی و تیپو سلطان پرداخته و آن را در مقایسه با وضعیت رو به نقصان اقتصادی شمال هند، خیلی خوب توصیف کرده است. در بحث اقدامات سیاسی و اداری این دو حاکم مطالب ارزشمندی از این کتاب برداشت شده ولیکن در مورد بحث اندیشه مقاومت اسلامی که موضوع اصلی مقاله حاضر است سخنی در این کتاب مطرح نشده است. کتاب ارزشمند^۲ تحقیق در میراث تیپو سلطان نوشته بریتلبرگ در سال ۱۹۹۷م از دیگر پژوهش‌هایی است که اندیشه‌ها و اقدامات این دو شخصیت میسور به ویژه تیپو سلطان را بررسی کرده است؛ ولیکن آنان را از منظر حاکمانی که اندیشه اتحاد اسلامی را دنبال می‌کردند، ملاحظه نمی‌کند. تحقیق مشترک^۳ کالک و راتر مورد در سال ۱۹۹۸م نیز در فصلی مختصر فقط به اقدامات سیاسی این دو حاکم با دولت‌های استعماری فرانسه و انگلیس پرداخته است.

در بحث پژوهش‌های فارسی، تحقیقات و مقالات زیادی وجود دارد که به ذکر مهمترین آنها بسنده می‌شود: از پژوهش‌های جدید کتاب تیپو سلطان سفیر رهایی از سعید عباس‌زاده (۱۳۸۱) است. از مطالب مهم کتاب توجه نویسنده به نقش حکومت‌های شیعی و علما در ترویج تشیع در شبه قاره است. اقدامات حیدر علی و تیپو سلطان از دیگر مباحث این کتاب است. لیکن نحوه تعامل این دو حکمران با دولت انگلیس را شتابزده بررسی نموده است. پایان‌نامه محمد مومیوند (۱۳۹۰) تحت عنوان بررسی مناسبات حکومت شیعی میسور با کمپانی هند شرقی به روابط سیاسی این دو حاکم با دول فرانسه و انگلیس پرداخته و نکات مهمی درباره اقدامات این دو حاکم محلی ارائه می‌دهد. ایده شکل‌گیری مقاله حاضر از این اثر نشأت گرفته است. مقالات دانشنامه‌ها و دایره المعارف‌های فارسی نیز بسیار نکات ارزشمندی به دست می‌دهد. برخی مداخل دانشنامه جهان اسلام نیز قابل توجه است: هدی سید حسین‌زاده (۱۳۸۷) در مدخل «تیپو سلطان» در جلد ۱۶ دایره المعارف بزرگ اسلامی به زندگی و وقایع سلطنت تیپو پرداخته است (۱۳۸۷: ۶۲۲/۱۶). حجتی (۱۳۷۵ و ۱۳۸۰) دو مقاله با عناوین «تیپو سلطان» و «حیدر علی» در دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره نگاشته که به اختراعات تیپو سلطان پرداخته و از جمله به ضرب سکه‌های جدید و نامیدن آنها به فارسی مانند احمدی، صدیقی و عابدی اشاره کرده است (حجتی، ۱۳۷۵: ۸۱۹). اهمیت مقاله حیدر علی درباره شخصیت ممتاز وی است که با وجود نداشتن سواد اما ادب شناس بود و نه تنها از تعصبات مذهبی برکنار بود که به عقاید هندوان احترام می‌گذاشت و آنها را در دربار خود به کارهای مناسب می‌گماشت (حجتی، ۱۳۸۰: ۱۰۲۲). انصاری و توسلی (۱۳۸۳) مقاله «تیپو سلطان» را برای جلد هشتم دانشنامه جهان اسلام نوشته و به ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی، سیاسی و نظامی تیپو سلطان اشاره کرده و اطلاعات ارزشمندی در خصوص تلاش وی برای جلوگیری از نفوذ نیروهای استعماری فرانسه و انگلیس در جنوب هند ارائه نموده‌اند (انصاری و توسلی، ۱۳۸۳ ذیل حرف ت). محمد حسن رجبی در مقاله خود به نام «حیدر علی خان بنیانگذار سلطنت در جنوب هند»، به روی کار آمدن سلطنت میسور در جنوب هند پرداخته و نقش حیدر علی را در ترویج الهیات اسلامی مهم شمرده است (رجبی، ۱۳۷۵: ۸۷-۸۲).

^۱ The Cambridge Encyclopedia of India, Srilanka

^۲ Tipu Sultan's search for legitimacy

^۳ A History of India

حیدر علی خان بهادر و تشکیل دولت میسور (۱۱۷۵ ه. ق / ۱۷۶۱ م.)

حیدر علی پایه‌گذار حکومت اسلامی در ایالت میسور بود. البته فراهم شدن زمینه چنین حکومتی، نتیجه اقدامات خاندان حیدر علی خان در منطقه میسور بود. پدر حیدر علی خان، از رجل سیاسی معتبر و پرنفوذ منطقه و هنگام فوت، از قدرتمندان میسور بود. وی در سال‌های ۱۷۴۹-۱۷۵۰ م در مناصبی چون وزارت در سیستم حکومتی میسور انجام خدمت کرده بود. (دولافوز، ۱۳۱۷: ۲۳۷). به جهت همین شایستگی‌ها بود که بعد از فوت حکمران میسور، سکه به نام فرزند باکفایت وی حیدر علی ضرب شد. به این ترتیب وی در سال ۱۷۶۱ م/۱۱۷۵ ق به طور رسمی به عنوان رئیس حکومت میسور مشخص شد و در حیدرنگر اعلام استقلال نمود و به نام خود سکه ضرب کرد (Bank, 1997: 21؛ دولافوز، ۱۳۱۶: ۲۳۸-۲۳۷). خاندانی که حیدر علی به جای آنها حکومت را به دست گرفت، ردی یار نام داشت. در برخی منابع از این جابجایی حکومت به کودتا تعبیر شده و حیدر علی را متهم به غصب حکومت کرده‌اند (باری علیگ، ۱۹۶۹: ۲۳۷؛ Kalke, 1998: 324). اما چنین به نظر می‌رسد که کودتایی شکل نگرفته است (عباس - زاده، ۱۳۸۱: ۷۶)؛ زیرا هنگام مرگ حاکم کسی که بتواند حکومت را به دست گیرد وجود نداشت. حتی حیدر علی با نهایت وفاداری به حاکم متوفی میسور، فرزند خردسال وی را به عنوان رئیس حکومت و خودش را به عنوان نائب وی معرفی کرد. ولی به جهت آشفتگی سیاسی میسور که هر لحظه احتمال شورش‌های داخلی خطرناک وجود داشته و بدتر از آن، بیم اشغال ایالت میسور از طرف همسایگان منطقه ای نیز بود، حیدر علی را مجبور کرد که خود زمام امور منطقه را به دست گیرد و برای حفظ اقتدار میسور و نظام حکومتی آن، خود را حاکم میسور بخواند (Dunbar, 1948: 93؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

در سال‌های ۱۱۶۹ تا ۱۱۷۵ ق. حیدر علی با استفاده از اختلاف بین راجاها بر قلمرو خود افزود. وی با میرسید شریف علیخان ناظم از آصف جاهیان دکن متحد شد و در ۱۱۷۱ ق. کویمتور (کرناتک پایین) را متصرف شد و به اسم خویش سکه ضرب کرد. در ۱۱۷۲ ق. بالاپور و در ۱۱۷۳ ق. بدنور (Bednur) را تصرف کرد. تصرف بدنور بر قدرت او افزود زیرا از مناطق مهم بر سر راه دکن بود و راه‌های اصلی مَنگَلور به گهات از این منطقه می‌گذشت. حیدر علی بدنور را حیدرنگر نامید و به پایتختی خود برگزید و به نام خود سکه زد. وی با غنایمی که طی سالها جنگ با حاکمان هندو کسب کرده بود، قدرت اصلی میسور شد و لقب نواب بهادر را بر خود نهاد (رک کرمانی، ۱۳۰۷ ق: ۷۵-۵۵؛ Bank, 1997: 28؛ دولافوز، ۱۳۱۶: ۲۳۸).

عملکرد حیدر علی خان در قبال دولت بریتانیا

اسپیر در جلد دوم تاریخ هند می‌نویسد که استدلال کهن مکر و حيله و رذالت فطری انگلیسی‌ها پذیرفتنی نیست. ضمن آن که در رذالت آنان شک و تردیدی نیست، افرادی مانند کلايو، هستینگز، ولسلی و دیگران برای انگلیسی‌ها رهبرانی برجسته و توانا بودند. ولی این واقعیت را نیز باید به یاد آورد که هندی‌ها نیز رهبرانی یکتا و بی‌نظیر چون حیدر علی، تیپو سلطان، پیشوایان مراته‌ها، رانجیت سینگه و دیگران داشتند. اینها مردانی طراز اول بودند و از نظر نبوغ نظامی، سیاسی و اداری با رقبای انگلیسی خود کوس برابری می‌زدند (اسپیر، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

حیدر علی بهادر که همواره از سوی بیگانگان احساس خطر می‌کرد، سعی داشت با برنامه‌ریزی حساب شده انگلیسی‌ها را به عقب براند (کرمانی، ۱۳۰۷ ق: ۷۸؛ Bank, 1997: 22). او پس از اتحاد با نظام علیخان (در دکن) جنگ با انگلیسی‌ها را آغاز کرد. حیدر علی خان حملات خود را ادامه داد و به فاصله بسیار کمی به اطراف مدرس نزدیک شد. بعد از آن حکومت دست‌نشانده انگلیسی

ها در مدرس ناچار شد عقب نشینی کند و قرارداد صلح منعقد شد (ذیقعه ۱۱۸۲/ آوریل ۱۷۶۹). طبق آن قرار شد حیدرعلی خان نواحی متصرفی را مسترد کند و قوای دو طرف در صورت بروز جنگ از یکدیگر حمایت کنند (رک کرمانی، ۱۳۰۷: ق. ۱۳۷؛ Beveridje, 1871: 280؛ دولافوز، ۱۳۱۶: ۲۳۹؛ حجتی، ۱۳۸۰: ۴/ ۱۰۲۱) حیدرعلی در سال (۱۱۷۹ق. / ۱۷۶۵م). برای حمایت از مسلمانان به دورترین نقاط مالابار حمله کرد و کالیکوت را تصرف کرد. با این فتح انتقام شش هزار کشته را که بسیارشان از بازرگانان مسلمان بودند گرفت. بعد از آن سواره نظام حیدرعلی تحت فرماندهی پسرش تیپو به آرکوت حمله برد و نخستین جنگ انگلیس- میسور در سال ۱۱۸۱ق. / ۱۷۶۷م. آغاز شد (مومیوند، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۹). بریتانیایی ها ناچار به امضای پیمان صلحی شدند که به موجب آن سرزمین های متصرفی یکدیگر برگردانده شد (کرمانی، ۱۳۰۷: ق. ۱۳۶؛ Beveridje, 1871: 280-281).

از سیاست های مشهور دولت انگلیس در شبه قاره، ایجاد شکاف و تفرقه بین رهبران سیاسی و مذهبی و شعله ور نمودن اختلافات و درگیری های قومی و مذهبی بود. این سیاست آن چنان قرین موفقیت بود که دولت انگلیس با صرف کمترین هزینه بارها توانست بر امور هند از این طریق مسلط شود. عمال انگلیسی در هنگام ظهور حیدرعلی دوباره کوشیدند از این سیاست برای حذف او استفاده کنند. تا این زمان، راجه های هند به اشتباه و از فرط غرور، رجل سیاسی و نظامی انگلیسی را حاکمان هم رتبه و طراز خود می دانستند. با این دیدگاه، آنان گاهی روند دوستی با این بیگانگان و گاهی به چشم متحد برای برخورد با امرای محلی هند و رقیبانشان می نگرستند. البته حفظ مقام و کسب موقعیت، این راجه ها را گاهی از مواقع به جنگ با انگلیسی ها هم سوق می داد. می توان گفت حیدرعلی اولین امیر هندی این منطقه بود که دریافت باید راهکاری برای مقابله با این سیاست دشمنان داخلی و خطر خارجی اندیشید. لذا از هرگونه همراهی و ملاطفت در برخورد با این دشمن خارجی خطرناک سرباز می زد. حیدرعلی و پسرش تیپو سلطان بر مبنای یک اندیشه شرعی به قرآن سوگند خوردند که تا ابد با انگلیسی ها دشمنی بورزند و آنان را از پای در آورند (باری علیگ، ۱۹۶۹: ۲۳۷). بر این اساس، وی برای جلوگیری از نفوذ بریتانیا به جلب رضایت و ایجاد صلح و آشتی با امیرنشین های همسایه پرداخت. در یک اقدام هوشمندانه به بستن قراردادهای صلح بین مدرس و میسور و یا بین منطقه نظام و میسور پرداخت و با این سیاست، انگلیسی ها را از دستیابی به اهمیت استراتژیکی این منطقه محروم کرد (عباس زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۲). این امر، سیاستی موفقیت آمیز بود، زیرا هم ایالت حیدرآباد را از زیر نظر انگلیسی ها به در آورد و هم حاکم آنجا را تشویق کرد که در حمله به انگلیسی ها با وی همراه گردد (دولافوز، ۱۳۱۶: ۲۳۸).

در سال ۱۷۸۰م. / ۱۱۹۴ق. جنگ بزرگی بین حکومت میسور و بریتانیا رخ داد. حیدرعلی در رأس ارتش بزرگی که تا آن زمان مانند آن در جنوب هند وارد عمل نشده بود، به کارناتیک (محل استقرار نیروهای بریتانیا) حمله برد. مزیت ایالت میسور نسبت به سایر ایالت های هند در آن بود که به لحاظ سیستم ایالتی و نظام حکومتداری متمرکزتر از سایر مناطق هند بود و مردم قسمت های مرکزی این ایالت اتحاد و نظم بالاتری داشتند؛ و به همین سبب میسور پیشگام مقاومت در برابر تهاجم بریتانیا به جنوب هند بود (عباس-زاده، ۱۳۸۱: ۱۴۸). فرمانده کل ارتش بریتانیا به مدرس عقب نشینی کرد. ارکوت سقوط کرد و تمامی کارناتیک به تصرف حیدرعلی درآمد (آنتونووا، ۱۳۶۱: ۴۱؛ مومیوند، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۴).

اما این سیاست مقابله حیدر علی سرانجام به مرحله آخر خویش رسید و با ورود نیروهای نظامی انگلیسی به فرماندهی ژنرال ایرکورت، مسیر جنگ به ضرر حیدرعلی رقم خورد. دولت انگلیس با حاکم حیدرآباد قرارداد صلح بست. نیروهای بریتانیا از بیم آن که این بار حیدرعلی با رقیب انگلیسی ها یعنی هلندی ها وارد صلح نشود، مراکز هلندی ها را در جنوب هند تصرف نمودند. ماراتاها نیز از مبارزه بر ضد بریتانیا دست کشیدند و به نظر می رسد سیاست تفرقه افکنی تأثیر خود را نشان داد (کرمی، ۱۳۷۶: ۱۴۳).

هنگامی که حیدرعلی در وضعیتی نا امید کننده بود ارتش تیپو نیروهای بریتانیایی را به فرماندهی سرهنگ بریت وبت در آناگودی در محاصره گرفتند و سرانجام آنها را شکست دادند. این شکست‌ها ارتش بریتانیا را به شدت در جنوب هند ضعیف ساخت. همچنان جنگ به ضرر انگلیسی‌ها و به نفع حیدرعلی بهادر ادامه داشت. اما مرگ حیدرعلی خان اقدامات موفقیت‌آمیز او را در برخورد با بریتانیا دچار وقفه کرد. حیدرعلی در سال ۱۱۹۶ ق. / ۱۷۸۲ م. در چیتور (Chitore) درگذشت (کرمانی، ۱۳۰۷ ق: ۲۳۴-۲۳۵؛ Beveridge, 1871: 340, 441, 472).

دوران حکومت تیپو سلطان (۱۲۱۳-۱۱۹۷ ه. ق. / ۱۷۹۹-۱۷۸۲ م.)

فتح علی خان بهادر مشهور به تیپو صاحب و بیر میسور، آخرین حکمران سیاسی مسلمان میسور در جنوب هند و مبارز ضد استعمار بود که بعد از پدر به قدرت رسید. مادرش فخرالنساء بیگم دختر نور معین‌الدین از خاندان چشتی‌های هند و از خانواده‌های محترم بود (هاردی، ۱۳۶۹: ۱۶).

نخستین تجربه نظامی تیپو، فرماندهی سواره نظام در جنگ با مرااتیه‌ها در ناحیه کرناتک در سال ۱۱۸۱ ه. ق. / ۱۷۶۷ م. بود. همچنین در فاصله سال‌های ۱۱۸۹-۱۱۹۳ ه. ق. / ۱۷۷۵-۱۷۷۹ م. که دولت میسور درگیر جنگ با مرااتیه‌ها بود او تجارب نظامی، سیاسی و فرماندهی گرانبهایی کسب کرد (Stuart, 1976: 262).

در سال ۱۱۹۴ ه. ق. / ۱۷۸۰ م. که حیدرعلی خان با ارتش خود به ناحیه کرناتک حمله کرد و نبرد او با انگلیسی‌ها چهار سال به طول انجامید، تیپو در این لشکرکشی از فرماندهان مهم سپاه پدر بود و ارکوت را فتح کرد. در ادامه این نبردها او نیروهای انگلیسی را به فرماندهی سرهنگ بریت ویت در ساحل رودخانه کلرون به سختی شکست داد و منگلور را فتح کرد (Banerjee, 1983: 191). تیپو زمان فوت پدرش در سال ۱۱۹۸ ق. / ۱۷۸۲ م. سرگرم سرکوب شورشیان منطقه میسور بود، اما به محض اطلاع از این واقعه خود را سریع به مرکز حکومت رسانید و مورد استقبال بزرگان سپاه قرار گرفت و به جای پدرش بر تخت نشست (کرمانی، ۱۳۰۷ ق: ۲۵۹-۲۵۸).

مقاومت‌های تیپو سلطان در برابر نفوذ دولت بریتانیا

در سال ۱۱۹۷ ه. ق. / ۱۷۸۲ م. حاکم دولت آصف جاهیان با تیپو به مخالفت برخاست و با حمایت فرماندهان انگلیسی که در قلعه نگر بودند و با حمایت قوم نایمار و رهبر ماراتاها بایکدیگر متحد شدند و تمام تلاش خود را کردند تا به قلعه کورتیال تسلط یابند و سپس با نهایت خفت قلعه‌ی نگر را به انگلیسی‌ها پس دهند. فرمانده ارتش انگلیس سوارتر^۴ و دیگر افسران انگلیسی به نبرد با تیپو سلطان شتافتند. اما در این جنگ تیپو سلطان با نهایت اقتدار حاکم آصف جاهیان (ایاز الدوله) را شکست داد و ارتش انگلیس را نیز با نهایت خفت به بمبئی عقب راند. پس از آن تیپو سلطان قلعه نگر و منطقه کورتیال را گرفت و تمامی غنایم ارتش انگلیس را به نفع دولت میسور مصادره کرد (کرمانی، ۱۳۰۸ ق: ۲۷۰-۲۶۰).

انگلیسی‌ها پس از ملاحظه ضعف و ناتوانی در مقابل ارتش میسور در سال ۱۱۹۸ ق. تن به امضاء قرارداد صلحی به نام صلح منگلور دادند (Powell, 1955: 461؛ Dunbar, 1948: 387).

⁴ Swartz

بنابر عهدنامه منگلور قرار نهادند که تیپو تمامی نیروهای خود را از کارناتیک خارج کند. بریتانیا نیز قول داد که ساحل مالابار را ترک کند و هر دو طرف قول آزادی اسرای جنگی را دادند (آنتونووا، ۱۳۶۱: ۴۳؛ مومیوند، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹).

جنگ سوم حکومت میسور با دولت بریتانیا (۱۲۰۴-۱۲۰۶ ه.ق / ۱۷۹۰-۱۷۹۲ م.)

حمله تیپو سلطان به تراوانکور که راجه آن از متحدان انگلیسی‌ها بود انگیزه جنگ بزرگ دیگری در میسور شد. این جنگ که در آن مرآتیه‌ها و نظام حیدرآباد در کنار نیروهای انگلیسی با تیپو می‌جنگیدند دو سال به درازا کشیده شد (خان زمان خان، ۱۳۷۷: ۸۸؛ Kalke, 1998: 230). هنگامی که لرد کورنوالیس خبر حمله تیپو سلطان را دریافت بلافاصله در صدد جبران و انتقام شکست های قبلی برآمد و اتحادیه معروف منگالور^۵ علیه تیپو سلطان را تشکیل داد. در این اتحادیه نظام علی پیشوای ماراتاها، راجه تراوانکور و تمام کسانی که از تیپو سلطان زخم خورده بودند، از جمله راجه‌های کالاستری^۶، کارتیناد و کوتیوت^۷ با انگلیسی‌ها متحد شدند. به موجب این عهدنامه پس از پیروزی بر میسور سرزمین‌های متحدان بریتانیا که قبلاً توسط حیدرعلی و تیپو تصرف شده بود به آنان مسترد می‌شد. سرزمین‌های متعلق به میسور به تساوی میان شرکت هند شرقی، پونا و حیدرآباد تقسیم می‌شد. نظام حیدرآباد و پیشوای ماراتاها موظف بودند هر کدام بیست و پنج هزار سرباز فراهم کند و لوازم جنگ را تأمین نمایند؛ و تمام غنایم میان همه آنها تقسیم می‌شد (Beveridge, 1871: 583-586).

نیروهای انگلیسی از چند سو به میسور یورش بردند و نیروهای مرهته و نظام به ویران کردن سرزمین‌های مرزی میسور پرداختند. مجموع نیروهای مؤتلفی که بر ضد میسور می‌جنگیدند نزدیک به پنجاه و هفت هزار نفر بود (آنتونووا، ۱۳۶۱: ۴۵). بنگلور به تصرف انگلیسیان درآمد و به ویرانه‌ای تبدیل شد. سپس نیروهای بریتانیا سرینگاپاتام را محاصره کردند. محاصره تا حدود یک سال به طول کشید و در سال ۱۲۰۶ ه.ق / ۱۷۹۲ م. قرارداد صلح سرینگاپتم به امضا رسید و سرانجام این جنگ با شکست سنگین تیپو سلطان به پایان رسید. در نتیجه این شکست، تیپو سلطان نیمی از قلمرو خود را به انگلیسی‌ها واگذار کرد و متعهد شد که در مدت دوازده ماه سه کروور و سی لک (۳۳ میلیون) روپیه به عنوان غرامت جنگی به انگلیسی‌ها بپردازد؛ و نیز دو پسرش را به عنوان گروگان و تضمین پرداخت غرامت در اختیار انگلیسی‌ها بگذارد (Dunbar, 1948: 400؛ صالح شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۵۰؛ Lyall, 1989: 223).

زمین‌های پیشین مرهته‌ها تا کرانه رودخانه کریشنا و سرزمین‌های پیشین حیدرآباد که در فاصله تنگه بهدرا و کریشنا قرار داشتند باز پس داده شدند. انگلیسی‌ها نیز بارامهال، ردیندیگل و بیشترین بخش مالابار و کورگ را به متصرفات خود افزودند. اگرچه تیپو سلطان با پرداخت غرامت در موعد مقرر دو پسرش را آزاد کرد، تمامی راه‌های عبور کرناتک و بمبئی به میسور در اختیار انگلیسیان درآمد. ارتباط میسور با درما قطع شد و جاده اصلی مدرس به سرینگاپاتام به دست نیروهای انگلیسی افتاد؛ و در حقیقت، سلطه انگلستان بر جنوب هند از این زمان آغاز شد (Kalke, 1998: 221؛ Yapp, 1980: 155).

تلاش تیپو سلطان برای اتحاد اسلامی جهت مقابله با انگلستان

تیپو از شکست ناامید نشد و کوشید رضایت رهبران محلی هند و دولت‌های دیگر را برای مقابله با انگلیسی‌ها جلب کند. نمایندگان او با مرآتیه‌ها، زمان شاه، حکمران افغانستان، شاه ایران (فتحعلی شاه قاجار) و دولت فرانسه که رقیب انگلستان در اروپا و مستعمرات

⁵ Mangalore

⁶ Calastri

⁷ Kotiote

بود مذاکره کردند. این فعالیت‌ها از چشم مأموران انگلیسی پوشیده نبود و نگرانی انگلستان را بر می‌انگیخت (Stuart, 1976: 298؛ کرمانی، ۱۳۰۷ق: ۱۲۰-۱۱۹؛ باری علیگ، ۱۹۶۹: ۲۲۷).

تیپو برای یاری خواستن از فرانسه در سال ۱۲۰۷ هـ.ق، ۱۷۹۳ م. پنهانی گروهی را به فرانسه فرستاد. انگلیسی‌ها از اقدامات تیپو در جهت اتحاد با دولت‌های اسلامی منطقه و تلاش برای ارتباط با فرانسویان برآشفتمند. آنها همچنین از عملیات ناپلئون بناپارت در مصر که در پی راه یافتن به هند و پیوستن به نیروهای تیپو بود بسیار نگران بودند. همچنین انگلیسی‌ها از نامه پشتیبانی ناپلئون به تیپو که پس از فتح مصر برای او نوشته بود و به دست انگلیسیان افتاده بود، آنچنان برآشفتمند که درصدد برآمدند هر چه سریع‌تر دشمن خطرناک خود میسور را نابود کنند (کرمانی، ۱۳۰۷ق: ۳۸۱).

در فوریه ۱۷۹۹ م. وقوع چهارمین جنگ انگلیس- میسور حتمی به نظر می‌رسید. ارتش کمپانی تحت فرماندهی پسر کلایو که فرماندار مدرس بود و سرتیپ جرج هریس (George Harres) فرمانده لشکر مدرس بیش از پیش خود را آماده جنگ می‌کرد و ماه‌ها صرف برنامه‌ریزی‌های لازم شد.

چهارمین جنگ انگلیس- میسور (۱۲۱۴ هـ.ق / ۱۷۹۹ م.)

بریتانیا که از اقدامات تیپو سلطان به خشم آمده بود تصمیم گرفت دشمن سرسخت خود تیپو را از میان بردارد. فرماندار جدید انگلستان در هند ژنرال لرد مورینگتون (مارکوئیس ولزلی) بود. نخستین اقدام او برکناری و خلع سلاح نمودن نیروهای فرانسوی در خدمت نظام حیدرآباد بود. مارکوئیس ولزلی و برادرش سرهنگ آرثر ولزلی در سال ۱۲۱۴ هـ.ق / ۱۷۹۹ م. حملات گسترده‌ای را بر ضد تیپو سلطان سازمان دادند (Razavi, 1986: 119-120; Kalke and Rotermund, 1998: 221).

برنامه چنین بود که با دو حمله میسور تصرف شود. ژنرال هریس به اتفاق هنگ آرثور ولزلی از یک طرف؛ و از سوی دیگر، نیروهای سواره نظام حیدرآباد با حفظ مسئولیت محافظت از کاروان مایحتاج نیروهای نظامی، از کارناتیک به سوی بنگالور به حرکت درآیند. لشکر دیگر تحت فرماندهی سرتیپ جیمس استوارت (James Stewart) از بمبئی و از طرف سواحل مالابار، پیشروی خود را به سوی میسور آغاز کند. نیروهای بریتانیا این بار کاملاً مجهز بودند. این نبردها که چندان هم به درازا نکشید، به شکست تیپو سلطان و عقب‌نشینی او به سرینگاپتم انجامید. پس از آن نیز نیروهای انگلیسی پس از نبردی سخت وارد شهر شدند و به قصر تیپو سلطان حمله کردند. خود تیپو با رشادت جنگید. انگلیسی‌ها پس از اشغال کاخ سلطنتی در جستجوی تیپو سلطان برآمدند؛ اما جسد بی‌جان و گلوله خورده‌ی او را در یکی از اتاق‌های کاخ یافتند (Stuart, 1976: 309؛ کرمانی، ۱۳۰۷ق: ۱۲۸؛ Manisingh, 1998: 417).

ژنرال هریس مراسم تدفین بسیار باشکوهی که حتی موجب شگفتی مردم محلی نیز شد، برای تیپو ترتیب داد. تابوت تیپو از خیابانی که در دو طرف آن مردم به حالت احترام ایستاده بودند، گذشت. پیشاپیش تابوت و پشت سر آن چهار گروه ژاندارم با احترامات نظامی در حرکت بودند. جنازه تیپو سلطان با احترام و تشریفات خاص مذهبی و با حضور بزرگان کشوری و لشگری دولت او در کنار پدر و مادرش در مقبره خانوادگی در لال باغ سرینگاپتم به خاک سپرده شد (Stuart, 1976: 311).

دوران حکومت تیپو سلطان هفده سال بود. انگلیسی‌ها پس از تصرف مقر حکومتی تیپو سلطان، آن را غارت کردند و گنجینه بسیار ارزشمند کتب نفیس او را به لندن منتقل کردند. پول‌ها و جواهرات، سلاح‌ها و شمشیرهای مرصع، قالی‌ها و پارچه‌های قیمتی را

از خزانه تیپو سلطان به یغما بردند. از جمله کجاوهای نقره‌ای و تختی باشکوه که اکنون در انگلستان نگهداری می‌شوند (انصاری و توسلی، ۱۳۸۳: ذیل حرف ت).

وضعیت میسور پس از کشته شدن تیپو سلطان

پس از کشته شدن تیپو سلطان بیشتر قلمرو او میان کمپانی هند شرقی و نظام حیدرآباد تقسیم شد. به جای او فرزند پنج ساله‌ی یکی از راجه‌های میسور به نام کریشنا، راجه و دیار را حاکم باقی مانده‌ی قلمروش کردند (خان زمان خان، ۱۳۷۷: ۹۰). میسور کاملاً زیر نظارت و لزلای قرار گرفت، معاهده‌ای بین کمپانی هند شرقی انگلیس و سلطان میسور به امضا رسید که در برابر پرداخت سالیانه دویست و هشتاد هزار پوند، میسور تحت حمایت کمپانی قرار گیرد. این معاهده به ولزلی حق می‌داد در کلیه‌ی امور میسور بی‌هیچ قید و شرط و محدودیتی دخالت کند. بدین ترتیب میسور کاملاً به صورت خراج‌گزار کمپانی درآمد. شکست تیپو سلطان که از بزرگترین دشمنان انگلیسی‌ها در هند بود، اقتدار و نفوذ انگلیسی‌ها را در هند به سرعت افزایش داد (نهر، ۱۳۶۱: ۴۵۶؛ ماسنیا، ۱۳۷۱: ۱۱۱).

شاید یکی از علل اصلی این شکست خیانت و روابط پنهانی برخی از اطرافیان تیپو سلطان از جمله صادق، سپهسالار تیپو با انگلیسی‌ها باشد که در ادبیات مسلمانان هندی و غیر هندی چهره‌ای منفور است (اقبال لاهوری، ۱۳۴۳: ۳۴۸).

طرح اندیشه اتحاد اسلامی تیپو با سایر کشورها جهت مقابله با انگلیس

تیپو سلطان به اهداف استعماری انگلستان در هند به خوبی واقف بود و هیچگاه حاضر نشد به نفع خود و بر ضد هیچ حکمران مسلمان یا هندو با انگلیسی‌ها متحد شود (Bhattacharya, 1967: 818-819). او در روابط خود با دولت‌های محلی هند و با دیگر کشورها رویکردی ضد انگلیسی داشت و تلاش می‌کرد با ارتباط با حکومت‌های محلی هند و کشورهای مسلمان، متحدانی بر ضد انگلیسی‌ها بیابد (خان زمان خان، ۱۳۷۷: ۵۹۰؛ Dunbar, 1948: 400).

تیپو سلطان به جهت رویکرد ضد انگلیسی که داشت علاقمند بود تا بین دولت‌های محلی هند اتحاد به وجود آورد. هر چند همسایگان او مانند مراتاها، مرهته‌ها و نظام حیدرآباد به ندای او پاسخ ندادند و تحت نفوذ بریتانیا قرار گرفتند، او کوشید با ارتباط با کشورهای مسلمان، متحدانی بر ضد انگلیسی‌ها بیابد. از همین رو نمایندگان به افغانستان، امپراتوری عثمانی و ایران فرستاد (باری علیگ، ۱۹۶۹: ۲۲۵-۲۲۸).

تیپو برای یاری گرفتن از افغان‌ها به زمانشاه حاکم افغانستان روی آورد و او را به فتح آسان هند تشویق کرد. زمانشاه که بر اثر پیشنهادها تیپو و دعوت‌های نواب پیشین اوده اغوا شده بود، به پنجاب حمله برد. اما با مقاومت سیک‌ها روبه‌رو شد و پس از آگاهی از دسیسه‌های اطرافیان خود در افغانستان مجبور شد شتابزده عقب‌نشینی کند (khan, 1951: 28). از سوی دیگر، انگلیسی‌ها ایران را به تصرف قلمرو زمانشاه تحریک کرده بودند تا به افغانستان هجوم آورند (عباس‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۷۳). لذا تلاش‌های یک جانبه زمانشاه به شکست انجامید. اگر وی پیشنهاد اتحاد با تیپو سلطان را می‌پذیرفت در اقداماتش موفقیت بیشتری می‌یافت (همان: ۱۷۳).

تیپو برای کمک خواستن از امپراتور عثمانی - که خود را خلیفه مسلمانان می‌دانست - در سال‌های ۱۱۹۸-۱۱۹۹ ه.ق/ ۱۷۸۴-۱۷۸۵ م. دو هیأت نزد سلطان عثمانی فرستاد. اما چون در آن هنگام حکومت عثمانی درگیر نبرد با روسیه بود و از انگلیس امید پشتیبانی داشت، برای کمک به تیپو سلطان از خود رغبتی نشان نداد (آنتونووا، ۱۳۶۱: ۴۴). مناسبات تیپو سلطان با ایران نیز نکته قابل تأملی دارد. سلطان میسور که ناچار در پی یافتن متحدینی در منطقه شد، باب مراداتی را با ایران باز کرد؛ از آنجا که ایران نیز همزمان با هند، مورد هجوم استعماری بود بالقوه می‌توانست متحد قوی برای هند باشد. بنابراین در سال ۱۲۱۰ ه.ق/ ۱۱۷۹ م. دو فرانسوی

گياه‌شناس از سوي تپيو سلطان به ايران نزد آقا محمد خان قاجار آمدند و از او تقاضاي اعزام نيروي نظامي براي کمک به تپيو سلطان کردند. اما شاه قاجار با اين پيشنهاده موافقت نکرد (رائين، ۱۳۲۷: ۸۳؛ صالح شيرازي، ۱۳۶۴: ۲۵۴). پس از آن در سال ۱۲۱۳ هـ.ق/ ۱۷۹۹ م. از سوي تپيو سلطان سفيري به دربار فتحعلي شاه رسيد تا قرارداد اتحادي منعقد کند. اما با قتل تپيو سلطان اين پيشنهاده نیز بي حاصل ماند و دولت انگليس نیز از ايران درخواست کرد فرستادگان دولت ميسور را به موطن خود بازگرداند (مفتون دنبلې، ۱۳۹۲ ق: ۶۰-۶۱؛ محمود، ۱۹۳۴: ۳۸).

ميرزا فصل‌اله شيرازي آمدن سفراي تپيو سلطان را چنين بيان مي‌کند: «فرستادگان تپيو سلطان پادشاه دکن با سه زنجير پيل و چند قفس طيور غريبه و اکليلي مکمل و نامه به مخالفت مدلل وارد آستان آسمان محل شدند. خلاصه تمنا اينکه از جانب امناي دولت عليه به کارگزاران شوکت بهيه انگريز اشاره بود که متعرض ولايات متصرفي تپيو سلطان نگشته او را آشوده گذارند. پس از چند روز ورود ايشان به توالي خبر رسيد که فرمانرواي هندوستان به مدد لشگر مملکت دکن را متصرف و سلطان مذکور در حومه ميدان مقتول و به ديار آخرت منصرف شد، فرستادگان مزبور با انعام و نوازش نا محصور روانه‌ي اوطان خود گرديدند» (خاوري شيرازي، ۱۳۸۰: ۱۲۹). به اين ترتيب، تمامی تلاش‌های تپيوسلطان برای ايجاد اتحاد با دولت‌های مسلمان منطقه برای مقابله با استعمار انگليس به جهت غفلت، بی‌تدبيري و جبن حکومت‌های اسلامي آن زمان به نتيجه نياانجاميد و آخرين فرصت اتحاد اسلامي در مقابل استعمار از دست رفت.

در مورد مناسبات تپيو با دولت فرانسه فقط به ذکر اين نکته بسنده می‌شود که روابط تپيو سلطان با دولت فرانسه متأثر از رویکرد ضد انگليسي او بود و مي‌کوشيد از رقابت دو قدرت به نفع خود استفاده کند. اگرچه لویی چهاردهم نخستين فرستاده تپيو را در سال ۱۱۹۲ هـ.ق/ ۱۷۷۸ م. به گرمي پذيرفت، هيچ کمک نظامي در اختيار او قرار نداد (Lyal, 1984: 223). وقوع انقلاب فرانسه و گسست روابط میان فرانسه و انگلستان امید تپيو سلطان را براي همکاري متقابل با فرانسه بيشتر کرد (Kalke, 1998: 231). اما با حمله‌ي ناپلئون به مصر نگراني انگلستان از روابط تپيو سلطان با فرانسه افزايش يافت و در عزم اين کشور بر يکسره کردن کار تپيو تأثير خاص گذاشت. در نهايت همين رابطه از جمله عواملی بود که سبب تهاجم دولت انگليس و تصميم قطعی آنان در برانداختن تپيو سلطان شد.

اندیشه‌های اسلامي حيدر علي خان بهادر و تپيو سلطان:

واکاوی در اقدامات اصلاحي اين دو حکمران اسلامي ميسور نکات قابل توجهی را پيش روی پژوهش‌گر قرار می‌دهد. حيدرعلي خان در سياست داخلي حکومت خویش اصلاحات مؤثري انجام داد. از جمله آنها تجديد سازمان نظامی بود. او نخستين حکمران هندي بود که به جاي سواره نظام از نيروهاي پياده نظام نیز در ارتش بهره جست که براساس موازين نظامي جديد تعليم ديده و مسلح به تفنگ بودند. او از توپخانه بسيار پيشرفته‌اي برخوردار شد که با توپخانه بریتانیایی‌ها برابري مي‌کرد و از ميزان تحرک بالايي برخوردار بود (آنتونوا، ۱۳۶۱: ۳۵). به کمک اين نوآوری‌ها و وجود منابع غني ميسور موفق به ايجاد ارتشي شد که از همه ارتش‌هاي ديگر ايالت‌هاي هند نيرومندتر بود. حيدرعلي بهادر از نخستين مبارزان مسلمان ضداستعمار هند بود که در جنگ‌ها از شيوه‌های نظامی بریتانیایی و فرانسوی که با نبوغ و استراتژی‌های نظامی منحصر به فرد خویش در آميخته بود، استفاده می‌کرد (Bank, 1997: 223).

نهر و در توصیف او می نویسد: «حیدرعلی در زمره نخستین مسلمانان مبارز ضد استعماری هند است. او مردی قهار و یکی از چهره‌های درخشان تاریخ هند بود. او نوعی آرمان‌های ملی داشت و صفات رهبری دوران‌دیش را دارا بود و با انضباط سختی که بر خود تحمیل می‌کرد نیروی حیرت‌انگیزی برای انجام کارهای دشوار داشت» (نهر، ۱۳۶۱: ۴۵۵). حیدرعلی مسلمانی بسیار معتقد و راست دین بود، از تعصب مذهبی بیزار و فرقی بین اهل سنت و شیعه نمی‌گذاشت. به امام علی (ع) ارادت و احترام فوق‌العاده قایل بود، چنانکه نگین انگشتری اش جمله معروف «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» حکاکی شده بود. با این حال، به هندوها و عقاید آنها نیز احترام قائل بود و در مراسم دینی و اعیاد آنان نیز شرکت می‌کرد (کرمانی، ۱۳۰۸: ۲۵۴-۲۵۹؛ Kalke, 1997: 323).

در سیستم حکومتداری وی چه نویسندگان هندی و چه خارجی معترفند که در تمامی منطقه تحت نفوذش افراد متعددی به عنوان چشم و گوش [جاسوس، مامور مخفی] داشت تا رفتار عمال حکومتی را به او گزارش دهند. اگر عامل حکومتی یا امیر منطقه ای قصور و کوتاهی مرتکب می‌شد، شخصا به آن رسیدگی می‌کرد و او را به شدت مواخذه می‌کرد. در مجالس رسمی بیشتر اوقات لباس سرخ برتن می‌کرد و دستار سرخی بر سر می‌گذاشت. اما موقع شب به طور مخفیانه لباس سیاه می‌پوشید و در محدوده شهر گردش می‌کرد تا از وضعیت لشکریان، مسافران و بیگانگان مطلع شود (Kalke, 1998: 32؛ کرمانی، ۱۳۰۷: ۲۵۲).

پسرش تیبو سلطان نیز اقدامات اصلاحی را با اندیشه‌های والاتری دنبال کرد. تیبو سلطان نیز همانند پدرش مسلمانی ثابت قدم و متدین بود. به رهبر شیعیان امام علی (ع) احترام فراوان می‌گذاشت (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۰۲). وقت‌های استراحتش را به عبادت و شب‌زنداری می‌گذراند و به طور معمول پس از نماز صبح تلاوت قرآن می‌نمود. در شبانه روز دوبار وعده غذایی می‌خورد و تمام فرمان‌های حکومتی خود را با نام خدا آغاز می‌کرد. پس از صلح با ژنرال انگلیسی کورنوالیس روی زمین بدون زیرانداز می‌خوابید تا روحیه رزم خود را تقویت کند. لباس رنگین نمی‌پوشید. توجه او به مهمات دینی چنان بود که دستور داد زنان هندو با سر برهنه بیرون نیایند (انصاری و توسلی، ۱۳۸۳: ذیل حرف ت؛ کرمانی، ۱۳۰۷: ۳۹۸-۳۹۷). تیبو سلطان به ترویج و تشویق در امر آموزش و هنرهای گوناگون اهتمام می‌ورزید، ذوق ادبی داشت، به تاریخ پادشاهان ایران و عرب به خصوص اطلاع از وضعیت دینی و اقتصادی و فرهنگی این تمدن‌ها بسیار اشتیاق نشان می‌داد و کتب تواریخ این سرزمین‌ها را مطالعه می‌کرد. در تقریحاتش از رقص نیز آگاهی داشت. وی به زبان فرانسه و انگلیسی آشنا بود و به علما و دانشمندان علاقه داشت. (kausar, 1989: 54) به خصوص به زبان فارسی آشنایی کامل داشت و فارسی را خوب می‌فهمید و بیشتر اوقات به زبان فارسی حرف می‌زد. کتابخانه‌ای از او با بیش از دو هزار جلد کتاب به زبان‌های مختلف برجای مانده و دو مجلد از نامه‌های او که به زبان فارسی نوشته، در دست است (Law, 1985: 96).

اقبال لاهوری از کوشش‌های فوق‌العاده‌ی سلطان تیبو تعریف می‌کند و در تاریخ اسلام شبه قاره او را شخصیتی بلند پایه تصویر می‌کند. وی اظهار تأسف کرده که ملت شبه قاره شخصیت عظیم سلطان تیبو را زود فراموش کرده و در نامه‌ای نوشته است: «تیبو آخرین مجاهد مسلمان هندوستان بوده و مسلمانان هندوستان با وی بی‌انصافی کردند که او را زود فراموش کردند. خودم مشاهده کردم که در جنوب هندوستان گور وی نسبت به کسانی که ظاهراً زنده‌اند یا خودشان را زنده نشان می‌دهند و مردم را فریب می‌دهند، زنده‌تر است» (اقبال لاهوری، ۱۳۶۸: ۲۴۶). وی با این بیت به بهترین وصف تیبو سلطان را ستوده است:

در جهان نتوان اگر مردانه زیست همچو مردان جان سپردن زندگی است

(اقبال لاهوری، ۱۳۴۳: ۳۵)

در بررسی اندیشه اتحاد اسلامی تیبو سلطان باید خاطر نشان کرد که او سعی کرد مسلمانان همیشه متحد باشند. وی محمد غیاث

را به عنوان سفیر با یک نامه نزد نظام‌الملک به حیدرآباد فرستاد. متن آن نامه که سندی واضح در بیان اندیشه اتحاد اسلامی وی می‌باشد چنین است: «من تیپو سلطان، می‌خواهم مملکت مسلمانان را تقویت بدهم و جان و مال خود را در راه خدا و اسلام نثار کنم. در این حالت همیشه مسلمانان باید با من متحد باشند، نه مخالف و نه برای تاخت و تاراج مملکت اسلامی با دشمنان توطئه چینی کنند. مثل نواب نظام علی که بارها علیه مسلمانان با رئیس ایالت پونا همکاری کرده است. من به نظام علی چند بار گفتم، ولی او نمی‌خواست که مرهته دشمن وی باشند و دوستی آنها را مصلحت می‌دانست. اگر نظام علی قدرت من و خودش را یکی می‌دانست، مرهته‌ها می‌توانستند مسجدها و خانقاه‌ها را خراب کنند؟ اگر نیروهای ما با هم متحد بودند مرهته‌ها هیچ موقع از کشورشان بیرون نمی‌آمدند و مسلمانان را اذیت نمی‌کردند. ولی این زیرکی انگلیسی‌ها بود که نظام علی را دشمن من ساختند و او را برای لشکرکشی علیه من آماده کردند» (محمود خان، ۱۹۳۴: ۷۳-۷۴).

اول بار اقبال در دوره جدید تیپو را با لقب شهید ستود، او را امام شهیدان محبت معرفی کرد و آبروی کشورهای اسلامی دانست (اقبال لاهوری، ۱۳۴۳: ۳۶-۶۶).

نتیجه‌گیری

در آغاز ورود استعمار انگلیس به هند، دولت و مردم هند از سوی آنها احساس خطر نمی‌کردند؛ زیرا آنها در لباس بازرگان آمده بودند. به همین سبب به راحتی می‌توانستند در نواحی دور دست نفوذ داشته باشند. به مرور فعالیت‌های تجاری آنها جنبه سیاسی و نظامی گرفت. امرای هندی متوجه خطر شدند و لذا دست به مقابله زدند اما انگلیسی‌ها طی دو جنگ پلاسی ۱۷۵۷م. و بوکسار ۱۷۶۴م. توانستند به ترتیب بر سراج الدوله - حاکم مسلمان بنگال - و شاه عالم - امپراطور مغول - پیروز شوند و گام‌های بلندی را به سوی سلطه کامل بردارند. اساس کار آنها در شبه قاره، سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن بود و سعی می‌کردند با ایجاد تفرقه میان حکام محلی به نفع یکی و علیه دیگری وارد عمل شوند.

به تدریج از سوی حکام محلی اعتراضات و مقاومت‌هایی نسبت به انگلیسی‌ها صورت گرفت که از مهمترین مقاومت آنها می‌توان به ایستادگی میسور به رهبری حیدرعلی و تیپو سلطان نام برد. این پدر و پسر نزدیک به ده سال در ناحیه جنوب هند با رشادت تمام با انگلیسی‌ها مبارزه کردند و مانع از گسترش نفوذ آنها در ناحیه میسور شدند. اما با در هم شکستن اقتدار میسور این منطقه نیز در قلمرو آنها درآمد. بدین ترتیب مهمترین مانع اساسی سلطه بر هند از پیش پای انگلیسی‌ها برداشته شد. پس از کشته شدن تیپو سلطان مردم مسلمان جنوب هند نتوانستند در مقابل بریتانیا مقاومت کنند و تحت سلطه انگلیس قرار گرفتند. در تواریخ شبه قاره، برخی از منابع او را نگهبان نجات هند و برخی دیگر، تیپو را ناجی ملت هند و برخی شهید راه استقلال وطن نام برده‌اند.

نهایت آنکه طرح اندیشه مقاومت توسط حیدرعلی خان و اندیشه اتحاد اسلامی توسط پسرش تیپو سلطان در مقابله با استعمار انگلیس در آن برهه تاریخی بسیار سرنوشت ساز و مؤثر بود. ولی متأسفانه مورد توجه دولت‌های شبه قاره و مهمتر از آن خارج شبه قاره که با این جریان عظیم (نفوذ استعمار) مواجه شده بودند، قرار نگرفت. طرح اتحاد اسلامی به عنوان سیاستی در جهت مقابله با هجوم سیاسی و نظامی دول استعماری می‌توانست آخرین تلاش دولت‌های اسلامی در این رابطه باشد که متأسفانه به جهت غفلت، بی‌تدبیری و جبن سلاطین مسلمان در آن برهه‌ی تاریخی بسیار حساس به نتیجه نیا انجامید و آخرین فرصت اتحاد اسلامی در مقابل استعمار از دست رفت.

منابع

- آنتونووا، کوکا الکساندرنا، (۱۳۶۱) تاریخ نوین هند، پرویز علوی، تهران: بین الملل.
- اسپیر، پرسپوال، (۱۳۸۷) تاریخ هند، همایون صنعتی زاده، قم: ادیان.
- انصاری، شریف النساء و توسلی، محمد مهدی، (۱۳۸۳) «تیپو سلطان»، دانشنامه جهان اسلام، جلد هشتم، ذیل حرف ت، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام.
- حاجتی، سیدعباس، (۱۳۷۶) «تیپو سلطان»، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد ۴، بخش یکم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حاجتی، (۱۳۸۰) «حیدر علی»، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ج ۴، بخش دوم: ۱۰۲۰-۱۰۲۳، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خان زمان خان، غلامحسین، (۱۳۲۷) تاریخ گلزار آصفیه، به کوشش محمد مهدی توسلی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل اله، (۱۳۸۰) تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحقیق ناصر افشار فر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دولافوز، ف، (۱۳۱۶) تاریخ هند، سید فخر گیلانی، تهران: مجلس.
- راین، اسماعیل، (۱۳۲۷) حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران: جاویدان.
- رجبی، محمدحسن، (۱۳۷۵) «حیدر علی خان بنیانگذار سلطنت در جنوب هند»، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال پنجم، ش ۲۴: ۸۷-۸۲.
- سیدحسین زاده، هدی، (۱۳۸۸) «تیپو سلطان»، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۱۵، انتشارات دانشنامه بزرگ ایران اسلامی.
- عباس زاده، سعید، (۱۳۸۱) تیپو سلطان سفیر رهایی، قم: نور السجاده.
- کامران مقدم، شهیندخت، (۱۳۶۰) تاریخ پیشرفت اسلام در هند، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- کرمانی، حسین علی، (۱۳۰۷ ق) نشان حیدری، بمبئی: بی نا.
- کرمی، مجتبی، (۱۳۷۷) حیدرآباد، دایره المعارف تشیع، قم: انتشارات دایره المعارف تشیع.
- گاردنر، براین، (۱۳۸۳) کمپانی هند شرقی، کامل حلمی، منوچهر هدایتی، تهران: پژوهه.
- ماسنیان، آوانس، (۱۳۶۲) شورش هندوستان، به اهتمام صفاء الدین تیرانیان، تهران: نیلوفر.
- محمود، محمودخان، (۱۹۳۴) سلطنت خداداد، بنگلور.
- مفتون دنلی، عبدالرزاق، (۱۳۹۲ ق) مآثر سلطانی، تهران: اطلاعات.
- مومیوند، محمد، (۱۳۹۰)، بررسی مناسبات حکومت شیعی میسور با کمپانی هند شرقی، دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر مصطفی پیرمردیان، اصفهان: شهریور ۱۳۹۰.
- لاهوری، محمد اقبال، (۱۳۴۳) کلیات، به کوشش احمد سروش، تهران: سنایی.

- لاهوری، محمد اقبال، (۱۳۶۸) اقبالنامه، به کوشش بشیر احمد دار، بی جا: جاوید.
- نہرو، جواہر لعل، (۱۳۵۱) نگاہی بہ تاریخ جہان، محمود تفضلی، تہران: امیرکبیر.
- نہرو، جواہر لعل، (۱۳۶۱) کشف ہند، محمود تفضلی، تہران: امیرکبیر.
- ہارڈی، پیر، (۱۳۶۸) مسلمانان ہند بریتانیا، حسن لاهوتی، مشہد: بنیاد آستان قدس.
- ہالیستر، جان نورمن، (۱۳۷۲) تشیع در ہند، مترجم آزر میدخت مشایخ فریدنی، تہران: نشر دانشگاهی.

ب- لاتین

- Banergee, A. ch, (1983). *The New History of Modern India*, Calcutta.
- Bank, K. B, (1997). *Tipu Sultan's Search for Legitimacy*, Dehli.
- Beveridge, W. H, (1871). *A comprehensive History of India*, London.
- Bhattacharya, S., (1967). *A Dictionary of India History*, New York
- Dunbar, G, (1948). *A History of India*, London.
- Kausar, K, (1989). *Secret Correspondence of Tipu Sultan*, Lahore.
- Khan, M. H, (1951). *History of Tipu Sultan*, Calcutta.
- Kulke, H, and Rothermund, D.(1998). *A History of India*, London.
- Lyall, A, (1989). *The Rise and Expansion of British Dominion in India*, New Delhi.
- Law, N. N, (1985). *Promotion of Learning in Muslim India*, Lahore.
- Manisingh, S. (1998). *Historical Dictionary of India*, New Delhi
- Robinson, Francis, (1989). *The Cambridge Encyclopedia of India*, Sri Lanka, Etd., Cambridge: Cambridge University Press.
- Razavi, Athar Abbas, (1986). *A Socio Intellectual History Of Isna Ashari Shia In India*, Australia
- Powell, Price, J. C (1955). *History of India*, London.
- Stuart, Ch, (1976). *Catalogue and Memoirs of Tipu Sultan*, Lahore.
- Smith, A, (1958). *The Oxford History of India*, Great Britannia.
- Yapp, M. F. (1980). *Strategies of British India*, Oxford.

ج- اردو

- باری علیگ (۱۹۶۹)، کمپنی کی حکومت، لاہور: مطبوعہ نیا ادارہ.